

### متن پرسش

سلام علیکم در پاسخ به سوالی پیرامون تصادف یکی از اتوبوسهای راهیان نور اینگونه فرموده اید که (چون تقدیر الهی برای آن جوانان آن بوده که به عالم دیگر منتقل شوند خداوند در این مسیر قرارشان داد که به این صورت کار انجام گیرد) از این جواب اینطور برداشت می شود که وقت رفتن اینها بوده و به هر حال از این دنیا می رفتند. در نکته پنجم کتاب ده نکته از معرفت النفس در تقسیم بندی انواع مرگ، یک نوع را مرگ غیر طبیعی نامیده اید و فرموده اید (ممکن است نفس از ابزار بدن استفاده کامل نکرده و هنوز بر بدن خود نظر دارد ولی بدن انچنان خراب شده که دیگر نمی تواند برای نفس مفید باشد...) سوال بنده اینجاست شاید وقت رفتن این دوستان نبوده ولی به جهت تصادف انچنان بدنشان از بین رفته که دیگر به کار نفس نیامده. اصلا ایا ملاکی برای این قضیه وجود دارد تا فرق اجل حتمی را با اینگونه موارد متوجه شویم.

### متن پاسخ

اسمه تعالی؛ علیکم السلام: عنایت بفرمایید که باید بین نگاه فلسفی به مرگ با نگاهی که دین به ما می دهد فرق بگذاریم. در مباحث فلسفی سخن در آن است که وقتی مرگ واقع می شود آن مرگ یا به صورتی طبیعی یا به فعلیت رسیدن استعدادها انجام می شود و یا به صورتی غیر طبیعی واقع می شود، ولی دین روشن می کند راز تحقق مرگ برای انسان ها به صورت طبیعی و یا غیر طبیعی چیست و بحث تقدیر الهی به میان می آید، که در کتاب «خویشتن پنهان» به بحث دوم نیز پرداخته شده. موفق باشید